جسم شریف امام معصوم

- رابطه جسم امام با نفس امام
  - رابطه جسم امام با نفس امام
  - مزاج بدن امام؛ اعدل امزجه
  - اعتدال= انعکاس عوالم بالا
  - تفاوت رشد بدن امام معصوم

رابطه جسم امام با نفس امام

رابطه جسم امام با نفس امام

رمز این که این بدن، بدن امام معصوم است و می تواند جلوه گاه آن نفس راقی باشد ، چیست ؟ آیا فقط به کُن الهی است و رمز و علتی ندارد یا طبق نظام اسباب و مسبّبات است ؟

---

[1] تقریر مطالب افاده شده در جلسه تفسیر سوره ق ۱/ ۱۲/ ۱۳۹۰

مزاج بدن امام؛ اعدل امزجه

ظاهرا می تواند طبق نظام اسباب و مسبّبات باشد . مزاج بدن انسوتی امام، أعدل امزجه است . منظور مزاج طبی نیست که به معنای اعتدال دم و صفرا و . . . باشد . بلکه مراد از مزاج، اصل ترکیب بدن به تمام اجزاء و همه ی ذرات تار و پود وجود بدن او است، نه صرفا اخلاط اربعه .

-[1]

منظور من خُلق نیست . منظورم پایه ی همه ی خُلق هاست . یعنی ظهور مَلکی و انسوتی ی ابدان شریفه ی آن ها . خُلق ها جلوه شده و جلوه کنندهی به وسیله این مزاج هستند

---

[1] سؤال یکی از دوستان حاضر در جلسه درس

اعتدال= انعکاس عوالم بالا

اذا می گوییم : مزاج امام در اعتدال محضه است نسبت به عالَم ناسوت . اذاست که هر چه به اعتدال نزدیک تر باشد ، می شود مثل یک آیینه ی صاف که اصلا خودش را نشان نمی دهد . مثل آیینه ای آنقدر صاف که انسان اصلا آن را نمی بیند و می خواهد از آن در شود ! مزاج هم وقتی معتدل شد ، عوالم بالا می تواند خودش را در آن به بهترین نحو نشان بدهد . بنابراین این بدن یک چیزی دارد که آن کامل نفسی در آن ظهور پیدا می کند . نه این که بدون نظام اسباب و مسببات این بدن، بدن آن نفس شده است . اذاست که در مواقع مختلف آثاری از این چنین بدنی ظهور می کند که اعدل بودن و تفاوتش را با سایر مزاج ها نشان می دهد .

تفاوت رشد بدن امام معصوم

لذا همین بدن گر چه در این دنیاست و مثال دوران طفولیت و رشد دارد ، ولی نسبت به سایر امزجه قابل مقایسه نیست .

استکمال بدن امام معصوم؟

کمال و استکمال به این معنا که چیزی را که نداشته پیدا کند ، ندارد . چون از اول، اعدل است . اما به معنای ظهور و بروز، یعنی در یک مقطع زمانی چیزی را از عوالم بالا نشان بدهد و در مقطع زمانی دیگر نشان ندهد ، مانعی ندارد . چون مظهریت است . به عبارت دیگر : ضیق از زمان است : (**و ما نُنزلّهُ إلا بقَدَر**) ضیق قَدَر مربوط به خودش است نه خزینه . خزینه است، ولی بیش از این اندازه قابل ظهور نیست . مثل یک مخزن نور که از پشت روزنه ای تابش پیدا می کند ، نمی تواند همه ی مخزن از این روزنه عبور کند . و لو در همان زمان طفولیت، اگر نفس ملکوتی آن ها بخواهد حرف بزند ، در حنجره و حتی در خارج حنجره ایجاد صوت می کنند. کما این که در شکم مادر حرف می زدند و مادر می شنید و دیگران هم اگر می خواستند می شنیدند .

□□□□□ □□□□ □ □□□□□ □□ □□□□□□□ □ □□□ □□ □□□ □□□□□□□ □□ □□ □□ □□□□□□□ □□ □□ □□□ □□□□□ □□ □□□□□ □□□□ □□□□ □ □□□□□ □□□ □□□□ □ □□□□□ □□□□ □□

مقام معیّت امام معصوم

در روایت دارد که حضرت فرمودند : (**انا صاحب الکرّات**) . اگر بدن این دوره ی امام که در این عالَم به دنیا آمده را به منزله ی یک شعاع بگیریم ، این شعاع برای خودش یک هویّت شعاعی دارد و یک شعاع است . در اینجا یک سیری برای خودش دارد و در این شعاع نمی شود گفت تجربه کرده بوده . اما آن مبدأ شعاع را که این شعاع، شعاع‌واست ، اگر در نظر بگیریم ، به راحتی می گوید : من نوح هستم (**انا نوح**) نه این که بگوید : من نوح را در کشتی سوار کردم یا آنجا حاضر بودم . یعنی نه تنها در ابدان خودشان که ظهور راقی کامل است بلکه دیگران هم که به دنیا می آیند ، همراهشان هستند .

- □□□□ □□□□ □□□□□□□□ □□□□ [2]

خیر ، این مال ظهور در عوالم است . اصلا وقتی ما از عوالم و ظهور در عوالم صحبت می کنیم ، با آن مقام وساطت و کمون و خفائی که فیض را می گیرد و به عوالم می دهد ، تفاوت دارد . مقام وساطت که وساطت ظهور عوالم است . در حالی که صحبت ما درباره ی ظهور در عوالم است .

چگونگی معیت ائمه و همراه بودنشان با اطفال با همان حال طفولیت و با بزرگترها با حال مناسب با آن ها ، چیزی است که ما از آن خبر نداریم . فقط شنیده ایم که فرموده اند : وقتی شما تب می کنید ، ما هم تب می کنیم.

یکی تعریف می کرد که من مشهد مشرف بودم و حرم خیلی شلوغ بود . درد دلم آمد که حضرت که یک نفرند . چطور خبر از دل و حاجت این همه افراد دارند ؟ شب خواب دیدم که به حرم مشرف شده ام و دیدم با ره ازئری یک امام رضا همراه است ! این را می گویم : مقام سربان امام . مقام معیت .

خدا نورشان را طوری قرار داده که هم با اطفال همراهند هم با بزرگ ها . امام یکی هستند ولی یکی ی سربانی . با همه هستند . این ها مظهر معیت خدا هستند . در اوایت دارد خدا با بندگانش چوری است که گوای غیر از او بنده ای ندارد . این چور به بندگانش عنایت دارد . بندگان دیگر ال یشغله که از این بنده کم بگذارد . شادی یکی از تأویلات (**الجساد کم فی الالجساد**) هم همین باشد . در عوالم مختلف ظهوراتی دارند أرقی از دیگران .

---

[1] سؤال یکی از دوستان حاضر در جلسه درس

[2] سؤال یکی از دوستان حاضر در جلسه درس